

و او را شکر که نام علقه است بهفت جاست این صورتی است  
 پنج مذکور است سادس آن عدم ارث گشت سابع آن  
 مادرش را پس به حال سادس بقا ثلث کل است ثلث ما باقی  
 حال جدات پس س فوان سقوط ورد ساز این را نور و نور و نور  
 زانکه استاد صوفی مولانا گفت اجماع محمد ای دانا  
 میر که از نوشته حسین است طالب فضل بود آه است  
غنت الرسالة العالم بسم الله الرحمن الرحيم النجم سدره علی  
 انظر روية لبيان اربعين من احوال الورثة على سبيل الاجان  
 والاختصار بدان و فقل الله و انا ناک پدر را پس به حال سادس  
 با پس و پس پس و سادس و باقی با دختر و دختر و دختر و باقی بی ولد  
 پدر کلان را چهار جاست به حال مذکور و شر و پدر و هم اولاد  
 پس به حال سادس بی ولد و بی پدر و پدر کلان و احد را سادس و متعدد  
ثلث است و شر و ولد و ولد این و پدر و پدر کلان و هم زوج را و سادس  
 ربع با ولد و نصف بی ولد و زوجه را و سادس و هم با ولد و ربع بی  
 بنات و سادس به حال است و احد و نصف و متعدد را ثلثان و با این

لذا

لذا مثل خطه الاثنین بنات این را و ثلث ما باقی و اولاد  
 نصف و متعدد را ثلثان و با و احد و سادس به حال سادس  
 با پس پس پس با سفل لذا مثل الاثنین و شر و پدر و هم  
 عینیه را پنج جاست بی ولد و پدر و بی پدر کلان و احد و نصف  
 و متعدد را ثلثان و با فر عینیه لذا مثل الاثنین و با بنت و با  
 بنت این و ان سفلت باقی و با این و با این این و ان سفل و با پدر  
 و پدر کلان و اخت علقه بنده را بهفت جاست و احد و نصف  
 و متعدد را ثلثان و با اخت عینیه سادس و با فر علقه لذا مثل الاثنین  
 الاثنین و با بنت و با بنت این باقی و شر و این و این و پدر و پدر  
 کلان و هم ام را پس جاست با ولد و ولد این و دوی از فر و با  
 از هر جهت و هم عدم مذکور ثلث کل است و با پدر و یکی از این  
 ثلث باقی است و ان با مادر سادس است و جدات پدری شر و هم  
 بنفس چهار صنفند جز آنده و سادس به حال است و ان سفل او  
 اصلند یعنی پدر و پدر پدر و ان علقه جزا پدر یعنی برادر  
 برادر و ان سفل او جزا او و ان علقه پدر و علقه یعنی عم و جد او

علم دان سفلا و عم عم و اجزا اودان علا بعد محبت با فریب و صحت  
 و این مقدمت بر فرابت و احدی عقیبات سببی سولای عتاقین و عقیبت  
 بطنس او و ذوی الارحام همین چهار صنف بشرط ثانی با بود بطریق  
 فرضی دو نوعست یکی نصف و ربع و ثمن و دیگر ثلثان و ثلث و پندس  
 در نوع واحد خرج اول خرج اکثر نسبت و در نوعی که نصف با کل ثانی  
 یا بعضی ثانی بود از شش نسبت و ربع که با کل ثانی یا بعضی ثانی بود از دو  
 و ثمن که با کل ثانی یا بعضی ثانی بود از نسبت چهار نسبت در مسائل ردی که  
 سن لایسته نباشد اصل مسئله عدد در دوس در جنس واحد از سه  
 و در جنسی و در اختلاف سن لایسته و حاصل ضرب و فق عدد در دو  
 سن بود با کل عدد در دوس سن بود در خرج فرضی سن لایسته نسبت در جنس  
 واحد و حاصل ضرب سه سن بود و در خرج مذکور نسبت در جنس اگر تغییر  
 بود دوس در اول و بر سه در ثانی مستقیم نباشد و الا خرج مذکور نسبت  
 نسبت الظرف و نیز چون ثانی سون و این نسبت عیند قربان آمد و قربان شدن  
 و آنکه از قربانی دیگر ندارم نسبت سه و چنان که بعد با طوف هم در اصل شد  
 همانند ام ار کاروان ناله سازم چون چرس و هر عددی که مثل آن

عدو لایب کنی ان عدد در اجدد میگویند و صلح و غیره میگویند در آن  
 ازین عدد حاصل میشود و آنرا جزد میگویند و در ربع و مال نیز میگویند  
 چنانچه به لا در پ ضرب کنی نه حاصل شود و صاحب مساوات بر صلح  
 میگویند و نه لا مال میگویند بر تقه هر که بچول باشد ربع میگویند  
 و صاحب جبر و مقابله به را شی میگویند و نه لا مال میگویند بر تقه هر که  
 بچول باشد و عار نه اصل حساب به را جزد میگویند و نه را جزد میگویند  
 و اگر عدد برابر عدد دیگری ضرب کنی آن عدد اول را مضمون میگویند  
 و ثانی را مضروب فیہ میگویند و آنچه حاصل میشود ازین عمل سطح میگویند

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله الملك الحق المبين والصلوة على رسول محمد وآله الطيبين الطاهرين  
 يذا مسائل رتبه شيخ الامام الاجل البكر الاسكندر في شرح المسائل  
 والدين منهاج الاسلام والسلمين مفندي الالبنة الفاضلين منهاج  
 والدين اعلم المذهبين محمد بن عبد الرحمن بن عبد الله الفقيه  
 و هي ثمانية انواع النوع الاول المثلث التي كانت اكله على طرف  
 واجده فالجكم فيها ان يضرب و فق عدد و دوس من اكله ان كانت